دولت سیزدهم با اجرای سیاست‌هایی به دنبال رفع تبعیض و فقرزدایی در کشور است

سیاستگذاری برای فقرزدایی راه طولانی دولت سیزدهم

۱۰

نداشتن پهنای باند رزرو کافی باعث اختلال مجدد اینترنت شد

سکته اینترنت ایران در جنگ اوکراین

۱۱

بررسی وضعیت متروی پایتخت به بهانه بیست‌وسومین سالگرد تأسیس این شبکه انبوه‌بر

مترو؛ ستون فقرات حمل‌ونقل عمومی پایتخت

۱۲

همشهری جامعه

دوشنبه ۱۶ اسفند ۱۴۰۰ ■ ۴ شعبان ۱۴۴۳ ■ سال سی‌ام ■ شماره ۸۴۵۵

عکس: همشهری/ مهرداد تبریزی

مدرسه را به خانه برده‌اند

گزارشی درباره پدیده نادر «تحصیل در خانه» که پس از شیوع کرونا در حال رشد میان خانواده‌های ایرانی است

گزارش
لیلا شریف
روزنامه‌نگار

کرونا باعث شد تا آموزش شکل جدیدی به‌خود بگیرد و دانش‌آموزان به جای حضور در کلاس‌های درس، در خانه «حاضری» بزنند، اما آموزش مجازی تنها شیوه‌ای نبود که با تکیه بر حضور کودکان در خانه به پیگیری آموزش پرداخت؛ از سال‌ها پیش، جسته و گریخته نام شیوه آموزشی home school یا home schooling که ترجمه فارسی آن همان تحصیل در خانه است، از جانب تعداد اندکی از خانواده‌ها مورد توجه قرار گرفته بود؛ پدیده‌ای که به واسطه کرونا محل سؤال و جست‌وجوی خانواده‌های بیشتری شد. در این شیوه، والدین به‌تنهایی یا با کمک معلم‌های خصوصی خواندن، نوشتن و... را به کودک یاد می‌دهند. نکته مهم در این شیوه آموزش این است که باید تلاش شود تا تمام موارد آموزشی متکی بر علایق کودکان باشد. این شیوه در سطح جهانی نیز از سوی عده‌ای مورد توجه قرار گرفته و با نظرات موافق و مخالف همراه شده است. در ایران نیز آموزش و پرورش به‌عنوان مرجع رسمی تحصیل این شیوه را به‌دلیل دربرگیری اندک، نه تنها به رسمیت نمی‌شناسد، بلکه مانند بسیاری از منتقدان، حذف تعاملات اجتماعی را به‌عنوان نقطه‌ضعف اساسی این شیوه ذکر می‌کند.

بررسی بعضی صفحات مجازی مرتبط با این موضوع، نشان از این واقعیت دارد که سؤالات و علاقه عده‌ای از والدین درباره چنین شیوه آموزشی قابل توجه است. در این صفحات خانواده‌های ساکن در استان‌های مشترک به‌دنبال یافتن افراد هم‌استانی و علاقه‌مند به شیوه «تحصیل در خانه» هستند تا با تشکیل گروه‌های کوچک و استخدام معلم خصوصی از این شیوه تحصیلی استفاده کنند. مریم، مادر پسری ۱۱ساله است که به‌عنوان یکی از پیشگامان تحصیل در منزل (Homeschooling) شناخته می‌شود. برای بررسی این پدیده با او گفت‌وگو کردیم تا بدانیم چرا والدین به چنین شیوه آموزشی علاقه‌مند می‌شوند و چطور مدرک تحصیلی از آموزش و پرورش دریافت می‌کنند؟ مریم در تمام گفت‌وگو تأکید داشت که این شیوه مسیر سختی را پیش پای والدین می‌گذارد و افراد نباید تحت‌تأثیر دیگران، دست به این انتخاب بزنند.

چه اتفاقی باعث شد تا شما این شیوه تحصیل را برای فرزندتان انتخاب کنید؟

صادقانه باید بگویم که فرزند من اگر در هر کشور دیگری به دنیا می‌آمد، من همین شیوه را انتخاب می‌کردم و به‌نظرم ساختار آموزشی در مدرسه برای نسل‌های جدید قابل‌قبول نیست و باید تغییرات جدی در آن اعمال شود، اما این اتفاق در کشورهای مختلف از جمله ایران رخ نداده است و هنوز شیوه آموزش سنتی استفاده می‌شود؛ به همین دلیل ترجیح دادم تا از این راه برای آموزش پسرم استفاده کنم.

پسر شما از چه دوره‌ای از home schooling استفاده کرد؟ شما از معلم خصوصی برای تدریس کمک گرفتید؟ چه برنامه‌ای داشتید؟

من از معلم خصوصی کمک نگرفتم و از همان کلاس اول تا الان که پسرم کلاس پنجم است، به این شیوه تکیه کردم. اگر از هر خانواده‌ای که مانند من در این مسیر قرار دارد، بپرسید که چه سیاستی را درنظر گرفته بودند، جواب مشخص است؛ اینکه در همان ابتدای راه هیچ سیاست و برنامه مدونی وجود ندارد. خانواده‌ها وارد این مسیر می‌شوند و بعد از چند سال تجربه به این نتیجه می‌رسند که چطور با فرزندشان برای آموزش تعامل برقرار کنند. در واقع این شیوه آموزش شخصی‌سازی می‌شود. هر دانش‌آموز و خانواده ممکن است مباحث درسی و شیوه تدریس متفاوتی را در پیش بگیرند؛ البته این مربوط به افرادی است که خود مسئولیت آموزش را برعهده می‌گیرند و داشتن معلم خصوصی کمی داستان را متفاوت می‌کند.

یعنی هر خانواده‌ای ممکن است درس‌های متفاوتی را به فرزندش آموزش بدهد؟

بله! اصلا آموزش در منزل شبیه به یکدیگر نداریم. یک خانواده ممکن است که تأکید خاصی بر درس ریاضی داشته باشد، اما خانواده دیگر با توجه به علاقه فرزندش، درس علوم را بیشتر مورد توجه قرار دهد. هر یک از والدین براساس ویژگی‌های خانواده، فرزندشان و وقت آزادی که دارند، می‌توانند مدل درسی برای فرزندشان انتخاب کنند. نباید فراموش کرد که علاقه بچه‌ها نخستین و مهم‌ترین نکته است.

بحث هزینه شد، به ما بگویید که این شیوه تحصیل چه هزینه‌هایی به همراه دارد؟

این شیوه تحصیل هزینه‌های بالایی دارد، اما باز هم به مادر و پدر مربوط می‌شود که تا چه حد در تدریس به فرزندشان فعال باشند. اگر پدر و مادر حوصله تعامل با کودک را ندارند باید از معلم‌های خصوصی استفاده کنند و این مدل هزینه‌های زیادی را به همراه دارد، اما اگر پدر و مادر توانایی و علاقه تدریس به کودکشان را داشته باشند، این هزینه‌ها حذف یا کم می‌شود. پدر و مادر باید استعداد فرزندشان را کشف و براساس آن عمل کنند.

خانواده‌هایی مثل شما، کدام یک از دروس مدرسه را به بچه‌ها آموزش می‌دهند؟

۲شیوه برای دانش‌آموزانی که به این شیوه درس می‌خوانند، تعریف شده است، یک شیوه به‌نام home school و شیوه دیگر به‌نام un school است که پسر من به شیوه دوم تحصیل می‌کند. در این شیوه به‌هیچ‌وجه کتاب‌ها و مباحث درسی مدرسه آموزش داده نمی‌شود. من فقط ریاضی را با پسرم کار می‌کنم؛ چون درس ریاضی نیاز به یادگیری قدم به قدم دارد. من می‌خواهم پسرم مدرک دیپلم را بگیرد و اگر خواست در دانشگاه ادامه تحصیل بدهد، دچار مشکل نشود.

پس شما در دوره ابتدایی درس‌هایی مانند ریاضی و فارسی را یاد دادید؟

بله! اما همه این آموزش‌ها با تکیه بر کتاب‌هایی غیر از کتاب‌های مدرسه بود؛ مثلا خواندن و نوشتن را فقط از طریق کتاب داستان به پسرم یاد دادم.

این آزمون و خطا، یادگیری کودک را با مشکل مواجه نمی‌کند؟ چه تضمینی وجود دارد که تبعات این شیوه آموزش -که هیچ برنامه مدونی هم ندارد- بیشتر از مزایایش نباشد؟

به همین دلیل است که می‌گوییم والدین علاقه‌مند به این شیوه تحصیل، باید خیلی مطالعه و جست‌وجو کنند تا از راه‌های مختلف سؤال‌هایشان را از افرادی که تجربه دارند، بپرسند. والدین در این شیوه باید فعال و همیشه در حال یادگیری باشند. مدرسه خانگی در کشورهای مختلف وجود دارد، اما هیچ‌وقت شکل و شمایل رسمی به‌خود نگرفته است؛ پس هنوز نمی‌توان انتظار راه مشخص از آن داشت؛ بنابراین اگر پدر و مادر از یک‌سو علاقه به آموزش خانگی دارند، اما از سوی دیگر برای کلاس خصوصی یا تدریس از جانب خودشان وقت نمی‌گذارند، باید بدانند که فرزندشان را در سردرگمی عجیبی قرار می‌دهند. تمام والدین نمی‌توانند وارد این مسیر شوند.

با توجه به اینکه شما با افرادی که خواهان استفاده از این شیوه آموزشی هستند، تعامل دارید، آیا می‌توان گفت که در دوران کرونا میزان تمایل خانواده‌ها برای استفاده از این شیوه آموزشی افزایش یافته است؟

در دوران کرونا افراد بسیاری با من تماس گرفتند تا من راهنمایی‌شان کنم. افرادی زیادی با واسطه به من معرفی شدند و مرا پیدا کردند تا از جزئیات مسیری که رفته‌ام مطلع شوند و نکته جالب این است که خیلی از این افراد گزینه مدرسه خانگی را برای تحصیل فرزندانشان انتخاب کردند. شاید اغراق نباشد که بگویم من مانند مشاوری شده بودم که هر هفته چند نفر از استان‌های مختلف با من تماس می‌گرفتند. این راه چندان آسان نیست، من آن را به هر فردی پیشنهاد نمی‌کنم و هر کس که با من تماس می‌گیرد، تلاش می‌کنم تا سختی‌ها و فواید کار را به افراد بگویم.

کرونا و آموزش مجازی باعث شد تا بعضی از خانواده‌ها متوجه شوند که توان آموزش به فرزندشان را دارند و به‌عبارتی «از پس کار برمی‌آیند». خیلی از افراد با آموزش خانگی در حد نام آشنا بودند، اما شرایط جدیدی که کرونا پدید آورد، مثل یک موتور محرک عمل کرد و باعث شد تا آنها به فکر بررسی گزینه‌های دیگر تحصیل بیفتند. بسیاری از والدین می‌گویند حالا که کرونا تجربه‌ای نزدیک به آموزش خانگی را در اختیار ما قرار داده است، خب، بهتر است که از این فرصت استفاده کنیم.

در این مدت چند نفر با شما تماس گرفتند و وارد این مسیر شدند؟

نزدیک ۳۰نفر با من تماس گرفتند و وارد این مسیر شدند. رصد صفحات مجازی فعال در این حوزه، این واقعیت را گوشزد می‌کند که تعداد خانواده‌هایی که در حال تحصیل به این شیوه هستند، در حال افزایش است و من همیشه از خودم می‌پرسم که آموزش و پرورش تا چه زمانی می‌خواهد این شیوه تحصیل را نادیده بگیرد.

از نظر شما اینکه افراد زیادی جذب این شیوه تحصیل شوند، اتفاق مثبتی است؟

من فکر می‌کنم این اتفاق خیلی مثبت نیست؛ چون مدرسه خانگی در کشورهای دیگر با همکاری مدارس همراه می‌شود و افراد بدون مشکل می‌توانند امتحان بدهند، اما در ایران این نگاه مثبت وجود ندارد و زمانی که مدرسه خانگی مطرح می‌شود، مسئولان آموزش و پرورش جبهه می‌گیرند.

خب، بخشی از این جبهه‌گیری به این دلیل است که ایران از نظر تنوع مدرسه بسیار گسترده است و پذیرش این شیوه آموزش با تمام اما و اگرهایش در نتیجه، می‌تواند سخت باشد. از سوی دیگر این شیوه آموزش از نظر آموزش و پرورش آنقدر گسترده نیست که این وزارتخانه بخواهد وارد میدان شود.

بسیاری از مسئولان از شیوه نادیده گرفتن برای کمرنگ شدن آموزش خانگی استفاده می‌کنند، اما واقعیت این است که این شیوه در حال گسترش است.

بچه‌هایی که به این شیوه تحصیل می‌کنند، چطور مدرک تحصیلی می‌گیرند؟

متأسفانه والدین باید در پایان هر دوره به آموزش و پرورش دروغ بگویند؛ به‌عنوان مثال من باید بعد از اینکه دوره ششم پسرم تمام شد به آموزش و پرورش بروم و یک نامه برای آزمون کلاس ششم بگیرم.

شما برای این ۶سال غیبت چه دلیلی می‌آورید؟

براساس تجربه دیگر والدین باید گفت که والدین بازخواست می‌شوند که در این ۶سال چرا دانش‌آموز به مدرسه نیامده است و عده‌ای می‌گویند که در ایران نبودند یا کودک بیمار بوده است. هر خانواده‌ای به ترفندی این مرحله را می‌گذراند و می‌تواند مدرک پایان دوره اول را بگیرد. بچه‌ها باید ۳درس ادبیات، علوم و ریاضی را برای گرفتن مدرک متوسطه اول امتحان بدهند و وقتی قبول شدند، آموزش و پرورش نامه می‌دهد که این دانش‌آموزان در هر مدرسه‌ای می‌توانند ثبت‌نام کنند، اما والدین علاقه‌مند به آموزش خانگی باز هم بچه را به مدرسه نمی‌فرستند تا پایان دوره بعد که باید باز این کار را تکرار کنند.

با توجه به اینکه شما با خانواده‌های مختلف علاقه‌مند به این شیوه تحصیل در ارتباط هستید، به‌نظرتان بیشتر کدام طبقه از جامعه به این شیوه علاقه دارد؟

بیشتر خانواده‌های طبقه متوسط رو به بالا از آموزش خانگی استفاده می‌کنند، اما در این میان هستند خانواده‌های با سطح درآمدی پایین‌تر که فرزندشان در خانه آموزش می‌بیند و به جای آنکه هزینه‌های زیادی صرف کلاس خصوصی کنند، از کلاس‌های کانون پرورش فکری که قیمت مناسبی دارند، استفاده می‌کنند و در کنارش پدر و مادر زمان زیادی برای بچه‌ها می‌گذارند.

دانش‌آموزی است که به دبیرستان رسیده باشد؟

هنوز نه! چون این شیوه خیلی نوپاست و بیشتر افراد در مقطع متوسطه اول یا ابتدای متوسطه دوم هستند.

به‌نظر شما آموزش در خانه به گزینه‌ای برای چشم و هم‌چشمی تبدیل شده است؟

متأسفانه بعضی‌ها فکر می‌کنند که چون آموزش خانگی با کلاس و مد شده است، پس ما که پول داریم باید به این سمت برویم، اما این کار اشتباه است و اگر فردی با این نگاه وارد شود، شک نداشته باشد که فاجعه می‌آفریند؛ چون اصلا مسیر راحتی نیست.

نکته

تبعات منفی «تحصیل در خانه» بیش از فوایدش است

احد نویدی، عضو پژوهشگاه مطالعات تعلیم و تربیت وزارت آموزش و پرورش/ تحصیل در خانه یا home schooling به شکل بسیار کمرنگی در دوران پیش از کرونا رایج بود و در دوران کرونا برخی از خانواده به‌دلیل اجبار به این شیوه تحصیل تمایل پیدا کرده‌اند؛ به‌عبارت دیگر چون به‌دلیل کرونا، دانش‌آموزان در خانه بودند، تعداد اندکی از والدین مجبور شدند از این شیوه استفاده کنند، اما این پدیده خیلی رایج نیست. شاید بهتر است به‌راحتی بگوییم که یک اقلیت اندکی از این شیوه برای تحصیل فرزندشان استفاده می‌کنند و اکثریت قریب به اتفاق مردم، خواهان استفاده از سیستم آموزشی رسمی کشور هستند. بنده خیلی سراغ ندارم که افراد به این شیوه روی آورده باشند. تعداد محدودی که ممکن است فرزندشان دچار بیماری باشد یا سایر مشکلات به این راه رفته‌اند. درواقع باید قبول کنیم که هر چند این پدیده وجود دارد، اما چندان گسترده نیست. در کشورهای دیگر نیز تحصیل در منزل یکی از گزینه‌هایی است که ممکن است اقلیت خاصی به سمت آن کشیده شوند، اما تصور من این است که این شیوه در فرهنگ ما می‌تواند مخرب باشد؛ چراکه مدرسه تنها به این محدود نمی‌شود که بچه‌ها اطلاعات را دریافت و کتاب‌های درسی را حفظ کنند، مدرسه محلی برای تعامل کودکان است. هم‌اکنون نیز هر چند تا حد زیادی تعامل حضوری حذف شده است، اما این تعامل اجتماعی هنوز در کلاس‌های درس باقی است. متأسفانه برخی از خانواده‌ها گمان می‌کنند با فرستادن فرزندشان به کلاس‌های خارج از مدرسه می‌توانند مشکل کاهش تعاملات اجتماعی را پوشش دهند، اما آن کلاس‌ها هم با تعداد کم و تنوع محدود فرهنگی برگزار می‌شود؛ بنابراین خیلی نمی‌توان به این راه‌حل‌ها تکیه کرد و اگر بخواهیم نگاهی عمومی داشته باشیم، باید بگوییم که مدرسه ارجح است؛ حتی اگر در بحث آموزش ضعیف باشد؛ چون بچه‌ها در مدرسه نکاتی را یاد می‌گیرند که امکان یادگیری آن در خارج از این چارچوب وجود دارد. در نهایت اینکه عوارض منفی home school بیش از دستاوردهایش است.

اواسط تا اواخر قرن بیستم

برخی افراد در مورد کارایی و پایداری یادگیری در مدرسه تردید کردند، که به افزایش تعداد دانش‌آموزان تحصیلکرده در خانه، به‌ویژه در قاره آمریکا و برخی کشورهای اروپایی منجر شد.

کرونا

موجب شد تا بسیاری از دانش‌آموزان از سراسر جهان به‌دلیل خطرات ناشی از این ویروس مجبور به تحصیل در خانه شدند. با این حال، این بیشتر در قالب آموزش از راه دور به جای تحصیل در خانه اجرا شد.

منتقدان

معتقد هستند که کودکان به‌دلیل تحصیل در خانه، ممکن است که مهارت‌های اجتماعی ضعیف‌تری داشته باشند. عده‌ای نیز نگران این هستند که برخی از والدین مهارت‌های لازم برای راهنمایی و مشاوره فرزندان خود را در زمینه مهارت‌های زندگی نداشته باشند.

سال ۲۰۱۶

دورانی بود که نزدیک به یک تا ۲درصد از کودکان آمریکای شمالی در خانه آموزش می‌دیدند.

کانادا

کشوری است که براساس آمار موجود در سال ۲۰۱۶ حدود ۶۰هزار کودک را به شیوه تحصیل در خانه، آموزش داد. آموزش در خانه در هر استان کانادا قانونی است.

آمریکا

حدود ۲،۵میلیون تحصیلکرده‌هوم‌اسکولینگ (home schooling) در این کشور ثبت شده است و قانون در این رابطه در هر ایالت متفاوت است.

آلمان

این شیوه آموزش را غیرقانونی دانسته است و تنها در مواردی استثنایی که ادامه حضور در مدرسه باعث ایجاد مشقت برای کودک می‌شود، موافقت کرده‌اند.

روسیه

قوانین خاصی در این رابطه دارد و هر کودکی که در خانه تحصیل می‌کند باید در یک مدرسه دارای مجوز دولتی ثبت‌نام شود (و نیازی به قبولی در امتحانات سالانه نیست. کودکانی که در خانه تحصیل می‌کنند از مدرسه دیپلم دریافت می‌کنند. براساس آمار موجود حدود ۵۰ تا ۱۰۰هزار کودک به این شیوه در روسیه آموزش دیده‌اند.

منبع: انجمن حقوقی تحصیل در خانه

جامعه کودکان

بار مسائل اقتصادی بر دوش کودکان

درآمد کم خانواده می‌تواند مانع رشد شناختی کودکان و توانایی آنها برای یادگیری شود. تحقیقات نشان داده که قرار گرفتن مداوم در معرض استرس اقتصادی می‌تواند به رشد کودک آسیب بزند. وقتی والدین بیکار هستند یا درآمدشان پایین است، ممکن است برای برآورده کردن اساسی‌ترین نیازهای فرزندانشان (غذا، مسکن ایمن، مراقبت‌های پزشکی و مراقبت از کودکان) با مشکل روبه‌رو شوند. انجمن روانشناسی آمریکا در گزارشی اعلام کرد که گرسنه بودن، بی‌خانمان بودن یا داشتن مشکلات بهداشتی، موانع بزرگی را در مسیر موفقیت کودکان در مدرسه ایجاد می‌کند. براساس این گزارش کودکان پیش‌دبستانی کم‌درآمد مهارت‌های شناختی و کلامی ضعیف‌تری از خود نشان می‌دهند؛ زیرا در معرض اسباب‌بازی‌ها، کتاب‌ها و سایر تجربه‌ها -با محرک کمتر- قرار می‌گیرند. والدین فقیر نیز تمایل دارند به مراقبت از کودک در خانه تکیه کنند؛ جایی که کیفیت و میزان توجهی که کودکان دریافت می‌کنند از امکانات حرفه‌ای پایین‌تر است.

برای بررسی نحوه مدیریت فشارهای اقتصادی در زندگی کودکان، نظر ساجده ودودی، روانشناس کودک را جویا شدیم:

ایجاد «محدودیت‌های سالم» موضوعی است که در تربیت کودکان مورد توجه قرار می‌گیرد؛ چراکه هر انسانی با ۵نیاز اساسی به دنیا می‌آید و یکی از این نیازها مربوط به محدودیت‌های سالم است. با توجه به اینکه هم‌اکنون شرایط اقتصادی از قابلیت پیش‌بینی‌پذیری برخوردار نیست، ما نیاز به یک دستورالعمل داریم تا در برابر آسیب‌های این تغییرات از ما محافظت کند.

تجربه به ما نشان داده است که افراد به شکل خواسته یا نخواسته و در جمع‌های مختلف در معرض گفت‌وگوهایی با موضوع گرانی قرار می‌گیرند و اجتناب‌ناپذیر است که این گفت‌وگوها به گوش کودکان نرسد. کودکان با شنیدن این صحبت‌ها ممکن است که نگران و دچار هراس شوند و حتی هنگام خرید، متوجه می‌شویم که برخی از کودکان دست به‌حساب و کتاب می‌زنند؛ از سوی دیگر اگر در رابطه با مسائل اقتصادی در خانه بحثی ایجاد شود، کودکان با هراس‌های بیشتری روبه‌رو می‌شوند. در چنین شرایطی راهکارهایی وجود دارد و باید به‌خاطر داشته باشیم که قرار نیست اتفاقات جاری زندگی به‌طور کامل از ذهن کودک دور نگه داشته شود؛ چراکه این خواسته امکان‌پذیر نیست؛ بنابراین زمانی که کودکان، صحبتی در رابطه با گرانی و مسائل اقتصادی می‌شنوند، والدین باید به اندازه درک کودک، مسائل را توضیح بدهند؛ به‌عنوان مثال پدر و مادر می‌توانند به فرزندشان بگویند که درست است خرید سخت‌تر و گرانی بیشتر شده است یا ما به‌عنوان والدین به‌خاطر مسائل مالی با هم بحث کردیم، اما ما به اندازه کافی پول داریم و می‌توانیم برای وسایلی که تو می‌خواهی با یکدیگر برنامه‌ریزی کنیم. از این نقطه به بعد وارد مرحله ایجاد «محدودیت‌های سالم» می‌شویم؛ به‌عبارت دیگر اگر خانواده میلیاردر هم باشند باید برای فرزندشان قاعده و قوانین خاصی برای نیازهای مالی بگذارند. باز هم تأکید می‌کنم که لازم است به کودک گفته شود که یک مقدار شرایط سخت شده است، اما ما می‌توانیم کنار هم باشیم و به اندازه کافی پول داریم تا زندگی‌مان را بگذرانیم.

کودکان باید در جریان اخبار اقتصادی قرار بگیرند؟

بهتر است که کودکان اطلاعاتی در این رابطه به‌دست نیاورند، اما واقعیت این است که تا چه حد می‌توان این خواسته را اجرایی کرد؟ این خواسته ایده‌آل است؛ چراکه مسائل اقتصادی با تمام لحظات خانواده‌ها گره خورده است و زمانی روحیه والدین تا این حد تحت‌تأثیر شرایط اقتصادی است، نمی‌توان انتظار داشت که کودکان هیچ اطلاعاتی دریافت نکنند؛ بنابراین بهتر است که واقع‌بین باشیم و قبول کنیم که کودکان در هر صورت در جریان این اخبار قرار می‌گیرند، اما والدین باید این اخبار را کنترل کنند و به کودک اطمینان‌خاطر بدهند که مشکلی برای او رخ نخواهد داد.

اثر مسائل اقتصادی بر کودکان

در رویکرد طرح‌واره درمانی یک تله شخصیتی به نام «تله آسیب‌پذیری نسبت به خطر» وجود دارد و زمانی که کودک در برابر اخبار قرار بگیرد، باید بدانیم که او را در یک شرایط بی‌ثبات قرار می‌دهیم. این اخبار می‌تواند شامل مسائل اقتصادی، اجتماعی و... باشد. این تله در کودکان شکل می‌گیرد و کودک با این تله بزرگ می‌شود. چنین کودکانی مدام نگران هستند که اتفاق بدی برای آنها رخ خواهد داد؛ بنابراین نخستین وظیفه والدین می‌تواند این باشد که به کودک اطمینان بدهند حتی اگر دچار مشکل شود، پدر و مادر برای محافظت و مراقبت کنار او هستند. درواقع والدین به کودک می‌گویند شاید ما نتوانیم تمام مشکلات را برای تو حل کنیم، اما ما کنارت هستیم و مسائل را با هم حل می‌کنیم؛ بنابراین با استفاده از «محدودیت سالم» و «اطمینان خاطر» می‌توان آسیبی که به‌دلیل فشارهای اقتصادی به کودکان وارد می‌شود را کاهش داد.